

همرَوی

فلسفهٔ سیاسی و فقه سیاسی

سید صادق حقیقت

www.ketab.ir



انتشارات هرمس

روزنامه

رسالت حق و رسالت حقیقت



انتشارات - مهر

تهران، خیابان ولی، پلاک ۱۰۷، میدان ونک، بعد از برج نگار، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴
مجموعه ادب فکر - فلسفه - ۱۰۷

همزوی

فلسفه سیاسی و فقه سیاسی

سید صادق حقیقت

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: حقیقت، سید صادق.
عنوان و نام پدیدآور: همزوی: فلسفه سیاسی و فقه سیاسی / سید صادق حقیقت.
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۵۴۳ ص. جدول.
شابک: 978-964-363-973-0
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
یادداشت: کتابنامه: ۵۴۳ ص؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: اسلام و سیاست
موضوع: دین و سیاست
موضوع: علوم سیاسی - فلسفه
موضوع: علوم سیاسی (فقه)
موضوع: تأویل
رده‌بندی کنگره: BP ۲۳۱/ح۷۳۸ ۸ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۱۹۹۱

فهرست

۱	مقدمه
بخش اول	
چارچوب رویکرد همروی	
۲۱	تفاوت رویکرد حداکشی و حداقلی
۳۳	بررسی و نقد رویکرد حداکشی
۴۹	بررسی و نقد رویکرد حداقلی
۷۱	پیشینه نسبت‌سنجی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی
۷۵	ارکان نظریه همروی
۱۱۱	توسعه حکم عقل
۱۴۵	کاربرد نظریه همروی
بخش دوم	
مبانی و روش‌شناسی	
۱۶۳	ظرفیت‌سنجی دین در مورد مفاهیم سیاسی مدرن
۱۸۳	طبقه‌بندی دانش (سیاسی) در جهان اسلام
۲۱۵	چیستی و گونه‌های فلسفه سیاسی
۲۳۷	رابطه فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و فقه سیاسی
۲۸۰	استنباط و نقش زمان و مکان
۳۲۹	تحولی روش‌شناسانه در فقه سیاسی
۳۴۳	هرمنوتیک و مطالعات اسلامی
۴۲۱	گفتمان و مطالعات اسلامی و ایرانی
۴۷۱	گونه‌شناسی ارتباط دین و سیاست
۴۹۹	اسلام سیاسی و اسلام غیرسیاسی
۵۱۹	خاتمه
۵۲۳	منابع

قال رسول الله (ص): «اعلم الناس من جمع علم الناس
الى علمه» (داناترين مردم کسی است که بتواند بین
دانش خود و دیگران جمع کند.)
(من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۵)

مقدمه

نویسنده این کتاب، بر اساس نظریه «مروی»، نه هیچ‌گاه همانند روشنفکران
عرفی‌گرا به کنار گذاشتن فقه (سیاسی) اعتداد داشته و نه مثل اندیشمندان و
فقهای سنتی حداکثری معتقد بوده است که هر آنچه در حوزه‌های سیاسی و
اجتماعی نیاز داریم باید در فقه یا دین بجویم. شاید بتوان «رویگرد همرویی»
را ادامه کوشش فارابی (در نسبت‌سنجی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی) و تداوم
اندیشه نائینی و آخوند خراسانی (در سنجش ظرفیت فقه در ویرایی با
تجدد) ارزیابی کرد. کتاب حاضر، علاوه بر مطالبی جدید، شامل مطالبی از یک
دهه نوشتارهای نگارنده در حوزه اندیشه سیاسی اسلامی حول محوری واحد،
نظریه همرویی، است که با ویرایشی جدید گرد هم آمده‌اند. همرویی ادله متنی و
فرامتنی، در طول این سال‌های به نسبت طولانی، به مثابه نخ تسبیح مکتوبات
نگارنده تلقی می‌شود. در بخش اول این مجموعه که بدیع است، سعی بر این
است که رویکرد همرویی معرفی شود. در این بخش، ابتدا دو رویکرد حداکثری
و حداقلی بررسی و نقد می‌شوند تا زمینه برای طرح رویکرد همرویی آماده
شود. سپس، ارکان و کاربردهای این گرایش سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.
به شکل کلی، دیدگاه هر کس در مورد اندیشه سیاسی تابعی از تلقی وی از

دین است. نظریه همزوی که بر ویرانه‌های دو گرایش حداکثری و حداقلی بنا شده است انتظاری بینابینی از دین دارد. این نظریه درصدد است نظریه سومی را در زمینه همزوی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی به بحث گذارد که مابین دو رویکرد حداکثری‌ها و حداقلی‌ها قرار می‌گیرد. نگارنده امیدوار است در آینده بتواند، در چارچوب رویکرد همزوی، «نظریه»‌ای با همین نام به شکل مبسوط‌تر ارائه نماید. نظریه همزوی از یک طرف می‌تواند در تقویت گفت‌وگوهای اندیشی دینی و گفتمان اصلاحات تقسیمی اساسی ایفا کند و از سوی دیگر می‌تواند، با طرح ضرورت احیای فلسفه سیاسی (اسلامی)، راه‌حلی برای معضله فربه شدن فقه (سیاسی) — که یکی از دغدغه‌های استاد مطهری بود — ارائه دهد.

در اولین قسمت از بخش دوم درباره نسبت دین با مفاهیم مدرن بحث شده است.^۱ به نظر می‌رسد این بحث به شکل کلی قابل طرح است که چه نسبتی بین دین و مفاهیم مدرن وجود دارد. مدعای اصلی بحث فوق این است که دین ظرفیتی برای برتافتن طیفی (معتدلی) شاخص‌های مفاهیم مدرن را دارد. مبحث طبقه‌بندی دانش سیاسی به عنوان دومین بحث، جایگاه دانش سیاسی را در بین دیگر دانش‌ها تعیین می‌نماید.^۲ در «تعلقات اسلامی»، دو دانش بیش از بقیه اهمیت دارد: فلسفه سیاسی و فقه سیاسی. بحث بعد سعی می‌کند این دو حوزه دانش و نسبت آن‌ها را به بحث گذارد. «تعلقات اسلامی» و گونه‌های فلسفه سیاسی «مقدمه‌ای برای نسبت‌سنجی فلسفه سیاسی و فقه سیاسی تلقی می‌شود.»^۳ رابطه فلسفه سیاسی، کلام سیاسی و فقه سیاسی در فصل اول کتاب

۱. قبلاً با عنوانی مشابه، مقاله‌ای در مجله علوم سیاسی (ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۶) به چاپ رسیده بود که اینک با اصلاحات و اضافاتی در این مجموعه به چشم می‌خورد.

۲. این بخش با همین عنوان در مجله علوم سیاسی (ش ۲۸، زمستان ۱۳۸۳) به طبع رسیده بود و در این مجموعه با اندک اصلاحاتی جای گرفته است.

۳. ویراست اولیه این مقاله قبلاً در مجله علمی-پژوهشی نامه مفید (ش ۲۵، بهار ۱۳۸۰) به چاپ رسیده بود.

توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه به شکل اولیه طرح شده بود.^۱ ایده کلی نظریه همروی بر کلیه نوشتارهای نگارنده حاکم بوده است، اما در این کتاب که برگرفته از رساله دکتری ام بود که در سال ۱۳۸۰ از آن دفاع کردم شکل جدیدی به خود گرفت و قوام یافت. بر اساس نظریه همروی، اجتهاد به شکل سنتی اش حجیت دارد؛ هرچند این امر مانع از نسبت‌سنجی روش‌شناسی‌های مدرن با فقاہت نمی‌شود. «استنباط و زمان و مکان» این ایده را دنبال می‌کند که، علی‌رغم احتمال زمانی-مکانی شدن احکام، اصل با استمرار آن‌هاست.^۲ به اعتقاد نگارنده، تحولی در فقه سیاسی شیعه از فردمحوری به نهادمحوری، هرچند به شکل محدود در جریان است.^۳ در دو مطلب بعد سعی می‌شود، بر اساس نظریه همروی، به استنباط اصل فوق، مطالعات اسلامی با هرمنوتیک و گفتمان نسبت‌سنجی شود.^۴ هرمنوتیک و گفتمان دو روش مهم مدرن و پسا مدرن محسوب می‌شوند که ممکن است بتوانند شیوه فهم را در اندیشه اسلامی متحول سازند. دو بحث «اجتهاد» و «هرمنوتیک» و «اجتهاد و گفتمان» که در پایان دو بخش فوق قرار دارد حاصل این نسبت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است. «گونه‌شناسی ارتطاب دین و سیاست» مباحث این مجموعه را به کتاب چارچوب سیاست^۵ ربط می‌دهد که مفاهیم سیاسی را از

۱. سید صادق حقیقت، توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران، هستی‌نامه، ۱۳۷۴.
۲. این مقاله ابتدا در مجموعه اجتهاد و زمان و مکان (ج ۲، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴) چاپ شده بود.
۳. این مدعا در مقاله‌ای تحت عنوان «تحولی روش‌شناختی در فقه سیاسی شیعه» در فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، (ش ۲۹، بهار ۱۳۸۹) مطرح شده است.
۴. ویراست اولیه «هرمنوتیک و مطالعات اسلامی» در مجموعه‌ای که به کوشش علی‌اکبر علیخانی جمع‌آوری شده است (روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶) و مبحث «گفتمان و مطالعات اسلامی و ایرانی» در مجله پژوهش و حوزه (ش ۲۲-۲۱، ۱۳۸۴) چاپ شده بود و اینک با تغییراتی در این کتاب در کنار دیگر مطالب قرار گرفته‌اند.
۵. سید صادق حقیقت، چارچوب سیاست در دولت اسلامی.

دیدگاهی اسلامی به بحث گذاشته است.^۱ همان‌گونه که اشاره شد، کتاب‌های فوق با رویکرد همروی مکمل یکدیگر تلقی می‌شوند. دو بحث آخر، یعنی «طبقه‌بندی ارتباط دین و سیاست» و «اسلام سیاسی و غیرسیاسی» نیز می‌تواند مقدمه‌ای برای بحث عرفی‌گرایی و نقد آن در کتاب چارچوب سیاست محسوب شود.

تدوین و نگارش این دغدغه‌ها را مدیون همکاران ارجمندم بالاخص دکتر مهدی مجاهدی و دکتر سیدعلی میرموسوی هستم. بسیاری از مطالب این کتاب حاصل گفتگو و مباحثه با ایشان بوده است. اصطلاح «همروی» را اولین بار دکتر مجاهدی پیشنهاد داد، اما خودش هرگز به نظریه همروی اعتقاد پیدا نکرد. نگارنده می‌تواند بر این باور است که متن حاضر را باید ویراست اول نظریه همروی محسوب نمود که به هیچ وجه عاری از نقص و ایراد نیست. امیدوارم خوانندگان در امر درستی‌های آن را گوشزد کنند تا در ویراست‌های بعد، و در قالب «نظریه همروی»، اعمال نمایم. بدون شک، متنی که نوآوری‌های زیادی دارد از نظر من زیاد نیز مصون نیست. هدف از نگارش این کتاب بیش از آنکه ارائه نظریه‌ای نو باشد طرح دغدغه‌هایی است که نیاز به حک و اصلاح دارد. عناوین اشخاص را نیز برای تنوع در عبارت حذف شده است و از این بابت پیشاپیش پوزش می‌خواهم.